

# شاهنامه فردوسی



چاپهای انتقادی:

اگر امروزه در کار آراستن و بررسی متن شاهنامه، از منابعی کهن بی بهره مانده ایم، و کهنترین نسخه‌هایی که می‌شناسیم گویای نزدیک سه سده دوری از آفرینش شاهنامه است، چنانکه قدیمترین نسخه شاهنامه مضبوط در بریتیش موزیوم تاریخ ۶۷۵ دارد، و اگر نسخه نویافته فلورانس را نیز معتبر بدانیم - تاریخ ۶۱۴ - باز چندان از این فاصله کاسته نمی‌شود، و گواه ۲۱۰ تا ۲۷۵ سال فاصله است؛ به خیرهایی که از متنها و تذکرها به ما رسیده است، در می‌یابیم که شاهنامه فردوسی از همان آغاز پیدایی با اقبالی شایسته روبرو بوده است، چنانکه مسعود سعد سلمان شاعر نامدار سده پنجم - که بظاهر در ۵۱۵ ه. ق. در گذشته است - منتخبی از شاهنامه فراهم ساخته بوده است، و سریدالدین محمد عوفی در لباب‌الالباب، در احوال «ابوالقاسم فردوسی الطوسی» می‌نویسد:

«هرکس که اختیارات شاهنامه که خواجه مسعود اسعد رحمه‌الله جمع کرده است مطالعه کند داند که قدرت فردوسی تا چه حد بوده است...» (لباب. چاپ لیدن. ص ۳۳ = چاپ سعید نفیسی. ص ۲۶۹)؛

یا اشاره نظامی عروضی در چهارمقاله:

«... شاهنامه به نظم همی کرد... بیست و پنج سال در آن کتاب مشغول شد که آن

کتاب تمام کرد، و الحق هیچ باقی نگذاشت و سخن را به آسمان علیین برد و در عذوبت به ماء معین رسانید، و کدام طبع را قدرت آن باشد که سخن را بدین درجه رساند که او رسانیده است...» (چهارمقاله، چاپ دکتر معین، ص ۶ - ۷۵)

و نیز اشاره عبدالجلیل قزوینی در کتاب النقص، و گفتار راوندی در راحة الصدور که از شاهنامه چنین یاد می کند:

«... در شاهنامه که شاهنامه‌ها و سر دفتر کتابها است...» (چاپ محمد اقبال، با تصحیحات لازم مجتبی مینوی، ص ۵۹) ... و بسیاری کتابهای دیگر، که این همه نشان توجهی وافر به شاهنامه فردوسی است، تا جائیکه نگارگران به تصویرگری شاهنامه پرداخته‌اند، و سوزنی سمرقندی اشاره‌ای گویا به آن دارد:

«به شاهنامه پر از هیبت تو نقش کنند  
ز شاهنامه به میدان رود به جنگ فراز  
زهیبت تو عدو نقش شاهنامه شود  
کزو نه‌مرد به کار آید و نه‌اسب و نه‌ساز»  
(دیوان سوزنی، چاپ دکتر شاه حسینی، چاپ اول، ص ۲۱۷؛ چاپ دوم هم از او، ص ۱۳۱ - در چاپ دوم مصراع دوم بیت دوم به گونه‌ای دیگر آمده است: «گرفته نقش و نگار و ولی نه‌اسب و نه‌ساز!»)

باری، با پایگاهی بلند که شاهنامه همواره در دل مردم داشته است، پس از پیدایش صنعت چاپ - سال ۱۴۳۸ میلادی - نخستین بار چاپ شاهنامه در خارج و بهمت شرق شناسان آغاز گردیده است.

«... اولین کسی که متن شاهنامه را منتشر ساخت یک نفر انگلیسی بود به نام لمسدن که فقط جلد اول کتاب را به حروف سری نستعلیق در کلکته به طبع رسانید...»، «ماتیولمسدن M. lumsden از معلمین انگلیسی زبانهای عربی و فارسی مدرسه فور ویلیام کلکته در سال ۱۸۱۱» بود که «چند منشی و مولوی (یعنی معلم به اصطلاح هندوستان) در این خدمت با او همکاری کرده‌اند و به نحوی که گفته‌اند بیست و هفت نسخه در اختیار داشتند و جای جای در ضبط متن از آنها به تفریق استفاده کرده‌اند...» «... لمسدن در صفحه عنوان کتاب یاد آور شد که شاهنامه را در هشت مجلد به طبع خواهد رسانید، ولی بجز جلد اول - در ۷۷۲ صفحه رحلی - توفیق انتشار مجلدات دیگر را نیافت...»، «همکار ایرانی لمسدن، منشی میرزا مهدی الله داد...» نام داشت.

«بعد از او یک نفر انگلیسی دیگر به نام تُرنر میکن - T. Macan - شاهنامه را از روی همان نسخه‌هایی که لمسدن جمع آوری کرده بود تصحیح کرد و در چهار مجلد چاپ و نشر کرد.» وی «یک صاحب منصب نظامی انگلیسی... (بود) که در هند خدمت می کرد... او خود

در صفحه عنوان فارسی کتاب به سیاق عنوان گذاری مرسوم نزد شرقیان نوشت:

کتاب شاهنامه ابوالقاسم طوسی متخلص به فردوسی که به سعی و اهتمام کمترین بندگان آن بی نشان و لامکان کپتان ترنر مکان بانسخ متعدد قدیم و معتبر مقابله و تصحیح یافته مع فرهنگ الفاظ نادر و اصطلاحات غریب و احوال آن سخن سنخ فصیح و ادیب به دارالحکومه کلکته به قالب طبع در آمده.»

شاهنامه طبع ماکان در ۱۸۲۹ در چهار مجلد انتشار یافت، «و بعدها مأخذ و مرجع چاپهای متعدد هند و ایران شد.»

سپس «یک نفر فرانسوی به نام ژول موهل Jules Mohl سی چهل سال در تصحیح متن شاهنامه و ترجمه آن به فرانسه و طبع متن و ترجمه در هفت مجلد بزرگ عمر گذرانید.» این متن «به قطع بزرگ سلطانی و در هفت مجلد ضخیم با کاغذ عالی و چاپی ممتاز آغاز شد و میان سالهای ۱۸۳۸ و ۱۸۷۸ در پاریس نشر شد.»

این متن شاهنامه، همان است که به سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۵۳ شمسی به صورت عکسی و به قطع جیبی در تهران انتشار یافت و در این اوان - ۱۳۶۹ - دو چاپ دیگر از آن به قطع رقمی، یکی در سه مجلد با مقدمه آقای دکتر محمدامین ریاحی از سوی انتشارات سخن، و دیگری در ۴ مجلد با ترجمه مقدمه ژول مول از سوی انتشارات آموزش انقلاب اسلامی - البته بی ترجمه فرانسوی آن - منتشر گردید.

«چهارمین طبع مهم که به وسیله خارجیان از شاهنامه نشر شد و آن را بنسبت باید عالمانه تر دانست آن است که توسط دانشمندی ایرانیشناس و محقق استاد در رشته لغت و زبان فارسی موسوم به یوهان فولرس - J.A. Vullers - میان سالهای ۱۸۷۷ و ۱۸۸۴ - با همکاری لندوئر Landauer در شهر لیدن در سه مجلد به طبع رسید.

ولی با این همه تا داستان کشته شدن دارا بیشتر چاپ نشد.» «همین فولرس بود که یک کتاب لغت بزرگ فارسی به لاتینی نوشته است و مندرجات اغلب فرهنگهای فارسی را در این کتاب خود جمع کرده است.»

آخرین کوشش در راه آراستن شاهنامه از سوی شرق شناسان مربوط به محققان «دولت جماهیر شوروی است که سی سال زحمت کشیده اند و یک شاهنامه از روی نسخه های خطی قدیم تهیه و آماده کرده اند و در نه جلد به چاپ رسانده اند (۱۹۷۱ - ۱۹۶۳) که مجموع آن ۴۸۶۱۷ (باضافه ۱۴۸۶ بیت الحاقی) است.» سرپرستی علمی شاهنامه فردوسی چاپ مسکو با یوگنی برتلس Evgeni Bertel's (۱۸۹۰ - ۱۹۵۷) خاورشناس نامدار بوده است که در نخستین کنگره بزرگداشت فردوسی به سال ۱۳۱۳ در تهران شرکت داشت. در مقدمه مجلد اول

شاهنامه چاپ مسکو آمده است: «با وجود این، متن حاضر را بهیچوجه نمی‌توان متن «آخرین» و «متن اصلی» به شمار آورد، بلکه تنبیح عمیق فیلولوژیک متن شاهنامه فقط آغاز می‌گردد...» (ص ۸ - ۷)

پس از مرگ ا. ی. برتلس، عبدالحسین نوشین سرپرستی علمی را بر عهده گرفت. نام ویراستاران دفترهای نه گانه بدین شرح است: جلد اول: ل. گرزلیان؛ او اسمیرنوا؛ ع. فردوس (= نوشین)؛ ج ۲: آ. برتلس؛ ل. گوزلیان؛ م. عثمانوف؛ او. اسمیرنوا؛ ع. طاهر جانوف؛ ج ۳: او. اسمیرنوا؛ ج ۴: ر. علی‌یف؛ آ. برتلس، م. عثمانوف؛ ج ۵: رستم علی‌یف؛ ج ۶: م. ن. عثمانوف؛ ج ۷: م. ن. عثمانوف؛ ج ۸: رستم علی‌یف؛ ج ۹: آ. برتلس.

به سال ۱۳۵۰ (= ۱۹۷۱) متن انتقادی و علمی شاهنامه فردوسی به کوشش رستم علی‌یف و محمد نوری عثمانوف، در ایران تحت سرپرستی انستیتی خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کتابخانه پهلوی منتشر گردید؛ و دفتر دوم آن نیز به تصحیح دکتر محمد نوری عثمان‌اف با همکاری دکتر احمد طباطبایی، زیر نظر بابا جان غفوراف که ریاست کمیسیون تهیه و تصحیح متن انتقادی شاهنامه را بر عهده داشت، به سال ۱۳۵۲ طبع و نشر شد.

نکته شایان ذکر، چاپ شاهنامه‌ای است که به سال ۱۳۱۳ از سوی کتابخانه و چاپخانه بروخیم - تهران، در ۱۰ مجلد «به مناسبت جشن هزاره تولد فردوسی» منتشر گردید. در صفحه عنوان کتاب آمده است: «از روی چاپ وولرس پس از مقابله با نسخ دیگر و ترجمه حواشی لاتینی آن به فارسی، داری یکصد نقش به قلم درویش پرورده ایران». درویش پرورده ایران نقاشی است به نام آندره سورویگین Sevriuguine که نویسنده نامدار صادق هدایت با او آشنایی یافت و مقدمه رباعیات خیام را هم به خواهش او نوشت. به نوشته استاد شادروان مجتبی مینوی - کتاب صادق هدایت، گردآورده محمود کتیرایی. سازمان انتشارات اشرفی، ۱۳۴۹ - از قول هدایت، «پدرش یک عکاس روسی بوده و مادرش ارمنی، خیلی به شاهنامه علاقه دارد. چهارصد مجلس تفسیر از شاهنامه ساخته است... با هدایت رفتیم و صد پرده از نقاشیهای درویش را انتخاب کردیم و عکس آنها را گرفتیم و به برلین فرستادیم. گراور کردند و در دوره شاهنامه‌ای که منتشر شد گنجاندهند...» هم استاد درباره آرایش این متن می‌گوید: «... در تهران چاپی به پیشنهاد اینجانب شروع شد که کتابفروشی بروخیم نشر آن را بر عهده گرفت و این دنباله کار فولرس بود. جلد اول را بنده از روی چاپ فولرس شروع کردم ولی بجهت اینکه سفر به اروپا پیش آمد، دیگران سایر مجلدات را بهمان شیوه دنبال کردند و سپس قسمتی را هم

که ناتمام مانده بود مرحوم سعید نفیسی از مقابله کردن دو چاپ کلکته و پاریس فراهم آورد...» نام آن دیگران که استاد شادروان مینوی یاد می کند چنین است: ج ۲ و ۳ و ۴: مرحوم عباس اقبال؛ ج ۵ و ۶: سلیمان حبییب؛ ج ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰: مرحوم سعید نفیسی. شادروان سعید نفیسی در تعلیقات لباب‌الالباب، چاپ خود، ص ۹ - ۶۵۸، از سلیمان حبییب یاد نکرده است. شادروان محمد رمضان، ناشر خدمتگزار و صمیمی که در نشر آثار ادبی و تاریخی اهتمامی تمام داشت، شاهنامه‌ای در ۵ مجلد با مقدمه رشید یاسمی در سال ۱۳۱۲ منتشر ساخت. نام انتشارات او کلاله خاور بود.

به سال ۱۳۵۰ برای ارائه تصحیحی انتقادی از متن شاهنامه فردوسی، بنیاد شاهنامه فردوسی به سرپرستی علمی استاد شادروان مجتبی مینوی بنیان گرفت. استاد مینوی، آقایان دکتر شفیع کدکنی، دکتر علی رواقی، محمد روشن، مهدی قریب و محمد سرور مولایی را به همکاری برگزید، که سپس آقایان دکتر سید جعفر شهیدی و دکتر زریاب خوبی و دکتر احمد تفضلی را بر آنان افزود. به روزگار زندگانی استاد - که با دربیخ به ۶ / بهمن ۱۳۵۵ پایان پذیرفت - دو بخش از شاهنامه: «داستان رستم و سهراب» آراسته خود استاد؛ و «داستان فرود» آراسته محمد روشن، بی‌ارائه شرح نسخه بدلها، چاپ و منتشر گردید. پس از انقلاب اسلامی ایران، بنیاد شاهنامه فردوسی نیز چون ۱۲ مؤسسه علمی دیگر به مؤسسه علمی دیگر به مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پیوست، و «داستان سیاوش» آراسته آقای محمد مختاری، که حروفچینی آن در زمان حیات استاد مینوی در ۱۳۵۵ پایان یافته بود، با مقدمه سودمند آقای مهدی قریب در ۱۳۶۳ از سوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات منتشر گردید.

در این اوان - دی ۱۳۶۹ - که کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی از سوی یونسکو به مناسبت «هزاره تدوین شاهنامه» در دانشگاه تهران با مشارکت دانشمندان و محققان ایرانی و خارجی برپا گردید، مؤسسه مطالعات چهار کتاب: داستان رستم و سهراب، داستان فرود، هر دو داستان با تجدید نظر و اضافات، داستان سیاوش، واژه‌نامه جامع داستان سیاوش تدوین آقایان مهدی قریب و مهدی مداینی به صورتی دلپذیر چاپ و منتشر نمود.

کار شایسته دیگر، اهتمام ارجمند دکتر جلال خالقی مطلق است در آراستن متن انتقادی شاهنامه فردوسی است که مجلد نخستین آن در ۳۷۴ صفحه متن و سی و چهار صفحه مقدمه، از آغاز تا پایان پادشاهی کیقباد با مقدمه استاد دکتر احسان یار شاطر در ۱۳۶۶ در خارج به شیوه‌ای دلپذیر به چاپ رسیده است، و شماری معدود و محدود از آن در ایران به روش اقسط تجدید طبع و منتشر گردید. کار دکتر خالقی مطلق بر مبنای ۱۲ نسخه اصلی و ۳ نسخه فرعی استوار است و ترجمه عربی شاهنامه فردوسی از بنداری نیز در شمار منابع کار او است. نگارنده و دوست شاهنامه‌شناس آقای مهدی قریب، سالهایی چند در راه آراستن منت

منتحی از شاهنامه فردوسی بر مبنای نسخه‌های معتبر اهتمام ورزیده‌اند که متن یک جلدی آن هم اینک در دست صفحه‌آرایی است، و امید آن است که متن نهایی آن با ارائه شرح نسخه بدلها صورت طبع پذیرد.

آنچه گذشت، بیان مجملی از کوششهای شاهنامه‌شناسان در راه ارائه متن انتقادی شاهنامه فردوسی بود؛ و پس از آن چاپهای گوناگونی، نخست در هندوستان و سپس در ایران از روی چاپهایی یاد شده، عموماً به شیوه چاپ سنگی، ارائه گردید. نخستین چاپ شاهنامه به قطع رحلی و به طبع سنگی به سال ۱۲۶۴ ق. در بندر معموره بمبئی به سعی و اهتمام... آقا محمد باقر صاحب تاجر شیرازی... به زیور طبع درآمده (= ۱۸۴۹)؛ و پس از آن در سال ۱۲۶۷ حسب‌القرمایش حاجی محمد حسین تاجر طهرانی علی‌ید مصطفی قلی‌بن مرحوم محمد هادی سلطان کجوری... در چاپخانه مبارکه... در طهران به قطع رحلی و طبع سنگی و مصور منتشر گردید.

از چاپهای سنگی شاهنامه آنکه به چاپ اولیا سمیع مشتهر است، به خط محمد ابراهیم الشهیر به آقا خلف محمد حسین خان اولیا سمیع شیرازی که در کارخانه عبدالغفور مشهور به داد و میان‌بن محمد عبدالله اهالیلی به طبع رسیده در ۶۸۷ ص به سال ۱۲۷۵ قمری، از شهرتی وافر برخوردار است و بارها در ایران از روی آن چاپ کرده‌اند.

شاهنامه‌ای را که آقای دکتر محمد دبیر سیاقی در ۶ مجلد به سال ۱۳۳۵ چاپ کرده‌اند مبتنی بر چاپ ترنر ماکال است و از سوی کتابفروشی این سینا و محمد علی علمی به طبع رسیده است و از آن پس نیز تجدید چاپ شده است.

#### منابع این گفتار:

سیمرغ. نشریه بنیاد شاهنامه فردوسی. اسفند ۱۳۵۱ - کتابشناسی فردوسی. گردآوری ایرج افشار. انتشارات انجمن آثار ملی. چاپ دوم. ۱۳۵۵ - شاهنامه فردوسی. متن انتقادی. تحت نظر: ی. ا. برتلس. مسکو ۱۹۶۳ - کتاب صادق هدایت. گردآوری محمود کتیرایی. انتشارات اشرفی، ۱۳۴۹. نقد و سیاحت. دکتر فاطمه سیاح. به کوشش محمد گلین. انتشارات توس. ۱۳۵۴ و...